



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۱۵ جون ۲۰۲۴

حمید انوری

از زاویه دیگر

مضمون تحلیلی و زیبایی محترم و گرامی جناب "خالدی" را که از احساس پاک شان نمایندگی میکند، با دقت و بار بار مطالعه کردم و تا حدودی با برداشت ایشان موافقم، اما در بعضی قسمت ها طرز برداشت و تفکر ما از همدیگر متفاوت اند که در این مختصر تلاش میکنم آن قسمت ها را از یک زاویه دیگر مطرح نموده و قضاوت را بگذارم به آن عده هموطنان محترم که این سطور را مطالعه میکنند.

نخست از همه در مورد عنوان مضمون شان باید متذکر گردید که انتقال قدرت در افغانستان در طول تاریخ پرتلاطم آن هرگز "بازی" نبوده است و اگر بازی هم پنداشته شود، چنان بازی خونین و وحشت انگیز بوده است که تاریخ نظیر آنرا کمتر به یاد دارد.

ایشان می نویسد که: "... اخیراً رئیس کمیته روابط خارجی سنای امریکا ضمن تحسین از مقاومت زلینسکی در اوکراین از تصمیم اشرف غنی برای واگذاری قدرت بدون مقاومت در افغانستان انتقاد کرده است..."

جناب "خالدی" جواب خوبی خدمت آن مقام امریکائی تقدیم داشته اند، ولی و اما و مگر کاش محترم "خالدی" گرامی اندکی تاریخ افغانستان را واقعبینانه حلاجی میکردند. مثال هائی که ایشان از تغییر قدرت در افغانستان به شکل مسالمت آمیز ذکر نموده اند، خلاف آنچه است که در تاریخ آمده است و خلاف آنچه است که در چهل و چند سال پسین، ما همه شاهد آن بودیم و هستیم هنوز.

به یکی دو مثال در این مختصر بسنده نموده و متباقی درج حافظه تاریخ کشور است. نجیب با فرار اردوی تجاوزگر روسی از افغانستان، تا آن زمان جنگید و مقاومت کرد که معاونت های بی دریغ مالی و نظامی تجاوزگران روسی به رژیم دست نشانده شان بلاوقفه در جریان بود و

مشاورین ملکی و نظامی روسی هنوز در افغانستان حضور داشتند و به اصطلاح وطنی ما "پیسه ره بیست و پنج تا" بودند، بعد هم در اثر خیانت چد جنرال ماشینی به شمول دوستم و نادری و بابه جان و نبی عظیمی و چند رسوای دیگر، حکومت وی از داخل پوسید و رو به اضمحلال گذاشت و... و در اخیر هم مجبور به فرار از کشور شد که در چنگ ملیشه های دوستم افتاد و مجبور شد به دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در کابل پناهنده شود و متباقی ماجرا، تا زمانیکه طالبان او و برادرش را بعد از شکنجه های فراوان به دار آویختند.

به همین منوال طالبان نیز در مقابل قدرت نظامی امریکا و متحدین، چنان مقاومتی نمودند که وزیر دفاع آن زمان امریکا "دونالد رمسفلد" به زبان خود اعتراف نموده بود که طالبان بسیار سخت سر هستند و این زمانی بود که از حمله امریکا و متحدین بیشتر از دو ماه میگذشت، تمام خاک پاک افغانستان بصورت گسترده و بلاوقفه چنان بمبارد گردید که حتی از "کارپت بمباردمان" گرفته تا استفاده از "مادر بم ها" نیز مضایقه نکردند و...

در باقی قضایا و یا هم "بازی ها"، تاریخ همه را به حافظه سپرده است و تاریخ حافظه قوی دارد. و اما در مورد "اشرف غنی"، ایشان با درایت کامل و با اطلاع دقیق از اوضاع و احوال همان روزگار و متیقن شدن از بدعهدی مقامات قصر سفید؛ از نظر این هیچمدان با یک خودگذاری و شهامت، با یک تیر گویا دو نشان را هدف گرفته و عمل کردند، یکی اینکه نقشه های پلید مقامات قصر سفید را در نطفه خنثی نمودند و از جنگ و خونریزی و بربادی جلوگیری کردند و دیگر هم اینکه جهت حفظ نظام جنگسالار، منفعت جو، سازشکار، بی بندوبار و تا گلو غرق در فساد؛ از جنگ و خونریزی و ویرانی و...، جلوگیری نمودند و هم جهت حفظ قدرت یک مشت لنده غر، زورگو، فاسد، شرف باخته و وجدان مرده، یک مشت شورای نظاری تا گلو در لجن تعصبات قومی و قبیله‌ای فرو رفته و قلدر و توطئه گر و...؛ کشوری را غرق در خون فرزندان نساخته و نیز شورای نسوار و چرسی ها و چلمی هایش را در یک حرکت آگاهانه، به زیاله دان تاریخ سپردند، که عملی بود شرافتمندانه و قابل تائید و می توان گفت خود را قربان کردند تا کشور و مردمی را نجات داده باشند. این تغییر قدرت هم با خونریزی های فراوان و بیشتر در ولایات، صورت گرفت. ولی و اما و مگر، در مورد جنگ و مقاومت و دلیری و پایداری و...، مردم عام افغانستان در مقابل تجاوزگران خارجی، هیچ افغان در هیچ زمانی، اندیشه به خود راه نداده است و تا آخرین نفس و آخرین رمق در مقابل تجاوزگران شرق و غرب و...، مردانه وار و با رشادت تمام جنگیده اند و لحظه هم دست از جنگ و مقاومت نکشیده اند و اینرا هم تاریخ ثبت اوراق خونین خود نموده است.

و اما اندر مورد "ولادیمیر زلنسکی" و کشور اوکراین و جنگ تجاوزگرانه روسیه در اوکراین، خدمت باید عرض کرد اینکه از نظر این کمترین، اوکراین مورد تجاوز وحشیانه و ددمنشانه روسیه قرار گرفته است و مردم و حکومت اوکراین در مقابل تجاوزگران ددمنش روسی، از کشور و مردم و آزادی و شرف و وقار و حیثیت خود دفاع میکنند و این حق مسلم مردم با شهامت اوکراین، به شمول زلنسکی است.

در مقابل زورگوئی و قلدری و تجاوز باید مردانه ایستاد و از کشور و مردم و شرف و آبروی مردم و مملکت باید به دفاع برخاست، حتی به قیمت هست و بود خود و مردم خود.

فردوسی طوسی اندرین مورد چنین داد سخن داده است:

همه سر به سر تن به کشتن دهیم

به از آنکه کشور به دشمن دهیم

و از این قاعده شرافتمندانه، نه زلنسکی خارج تواند بود و نه هم اوکراین و مردم شجاع و مقاوم آن. محترم داکتر صاحب "خالدی" نوشته زیبای شانرا چنین خاتمه میدهند:

"... اما ولادیمیر زلنسکی در مالیخولیای شهوت قدرت ملت و کشور اوکراین را به سوی تباهی سوق داد. او میتوانست با تطبیق توافقنامه صلح استانبول از تباهی کشورش جلوگیری کرده مردم خود را طعمه شهوت قدرت طلبی امریکاییها، فرانسویها و انگلیسها نکند. از آلمان چیزی نمیگویم چون عمال نشان داد هنوز هم بعد از هفتاد سال یک کشور اشغالی امریکا بوده با سرسپردگی خجالت آوری از خود آزادی و استقلال عمل ندارد."

این برداشت جناب "خالدی" گرانقدر، به این بیشتر نزدیک تواند بود که آنگاه که یک کشور زورگو و قلدر به یک کشور مستقل و آزاد همسایه خود و یا هم غیر همسایه، وحشیانه تجاوز نظامی میکند، بهتر آنست تا کشور تحت تجاوز، آرام در جای خود قرار گرفته و هیچ عکس العمل و مقاومت از خود نشان ندهد تا کشور خراب نشده و مردم قتل عام نشوند؛ این یعنی انقیاد طلبی، ترس، جبن، زبونی و شرمساری.

ما لااقل در چهل و چند سال پسین شاهد این هستیم که تجاوزگران اجنبی جهت موجه نشان دادن تجاوزات شان، به بهانه های تروریسم، اسلامیزم، فاشیزم، کمونیزم و ده ها ایزم دیگر توصل جسته اند و می جویند هنوز و تجاوزگران روسی اندرین میانه تجربیات طویل دارند که تاریخ شاهد آن است و امریکا و اتحادیه اروپا هم هرگز از روسیه عقب نمانده اند.

اوکراین یک کشور مستقل و آزاد است و خوب و بد آن به مردم و حکومت شان مربوط می شود و روسیه هرگز حق و اجازه دخالت در امور داخلی و خارجی اوکراین را ندارد و قلدری و زورگویی میکند و به زورگو و قلدر و تجاوزگر به هر نوع ممکن باید یک جواب دندان شکن داد. توافقنامه صلح استانبول هم چیزی دیگری نبوده است به جز اینکه هرچه سردمداران روسی لازم میدانند، اوکراین مجبور و مکلف به قبول و اجرای آن است و اگر قدمی از آن فراتر گذاشت، مورد تجاوز و غارت و بیداد و ظلم و تعدی قرار خواهد گرفت و خاکش را روسیه به توبره خواهد کرد، که چنان هم کردند.

آیا افغانها در زمان جنگ افغان - روس، طی ده سال تجاوز ددمنشانه روسیه شوروی وقت، از امریکا و اروپا و عرب و عجم مورد حمایت قرار نگرفتند و کمک و معاونت نشدند؟! آیا جناب محترم داکتر صاحب "خالدی" در مورد جهاد و مبارزه آزادیخواهانه مردم شریف افغانستان در مقابل تجاوزگران روسی، به همان چشم می بینند که به جنگ روسیه و اوکراین می بینند؟ یا خون ملت افغان سپید بود و از ملت اوکراین سرخ است!؟

در تازه ترین خبر که از طریق آژانس خبر رسانی "گاردین" انتشار یافت، پوتین دیوانه به مقامات اوکراینی پیشنهاد متارکه داده است و شرایط متارکه این فرد مالیخولیا هم چنین است.

۱- اوکراین تسلیم شود و بپذیرد که در جنگ شکست خورده است.
۲- آن قسمت از اراضی اوکراین که در اشغال روسیه قرار دارد، به خاک و قلمرو روسیه ملحق ساخته می شود.

۳- اوکراین از تقاضای پیوستن به "ناتو" منصرف شود.

۴- نیرو های نظامی اوکراین تمام مناطق اشغالی اوکراین توسط روسیه، شامل دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریزهازیا (Zaporizhzhia) را ترک کنند و از آن قسمت های کشور خود صرف نظر نمایند.

کدام شیرپاک خورده چنین شرایط ذلت بار را می پذیرد؟!!

رابیندرانات تاگور در مورد آزادی باری چه بجا گفته بود:

"ما زمانی آزادی را به دست می آوریم که تمام هزینه آن را پرداخت کنیم".

و این درست همان کاریست که افغانها دیربست انجام دادند و اوکراینی ها همین اکنون انجام میدهند.